

تحلیل جغرافیایی نمایندگی زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی

(دور اول تا نهم مجلس، 1358-1391)

دکتر زهرا پیشگاهی فرد، عضو هیئت علمی دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

وحید کیانی¹، دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

سیده زهرا موسوی، دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

چکیده:

یکی از دستاوردهای مهم جمهوری اسلامی ایران، هموار شدن مسیر مشارکت سیاسی برای زنان بوده است. پیشرفت زنان در مدارج علمی بالا و دانشگاهی بعنوان یک شاخص فرهنگی و علمی بیانگر نمود اجتماعی جامعه زنان در کشور است که با دوران قبل از انقلاب به هیچ وجه قابل مقایسه نیست. اگر چه این حرکت رو به رشد نوید بخش آینده ای روشن برای حضور هر چه بیشتر این قشر در فعالیت های مختلف است؛ اما با وجود گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، زنان با وجود کسب موفقیت های چشمگیر در عرصه های مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی و حضور عمومی در عرصه دفاع از انقلاب، هنوز برای حضور در عرصه هایی نظیر نمایندگی مجلس تمایل زیادی نشان نمی دهند. به ویژه در عرصه انتخابات گویی جامعه زنان از حق خود برای تصاحب کرسی های قوه قانونگذاری به نفع مردان چشم پوشی کرده اند.

مشارکت زنان در صحنه های ورزشی، مدیریت های میانی، افزایش نسبی دانشجویان دختر به پسر در مراکز علمی، حضور زنان در مناصب دولتی و پست های اداری همه و همه حاصل تلاش و جدیت همه ی زنان جامعه برای حضور فعال تر در صحنه های مختلف بوده است. اما به رغم این جدیت ارزنده و تلاش و همبستگی زنان برای حضور قدرتمند در صحنه های مدیریتی، اقتصادی و اداری، حضور زنان در عالی ترین جایگاه قانون گذاری کشور یعنی مجلس شورای اسلامی در طی سالهای گذشته در فراز و نشیبی مبهم روند نزولی داشته است. بررسی تعداد کرسی های متعلق به نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی در 9 دوره از حیات آن می تواند

¹ - kiani1363@ut.ac.ir

تصویر روشنی از این حقیقت را نشان دهد. مقاله حاضر در تلاش است تا با روش توصیفی - تحلیلی به پویای جغرافیای نمایندگی زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی بپردازد.

واژگان کلیدی: جغرافیای انتخابات، مشارکت سیاسی، نمایندگی زنان، مجلس شورای اسلامی، دموکراسی.

مقدمه:

جغرافیای انتخابات از شاخه‌های جغرافیای سیاسی است که بر محدوده‌های جغرافیایی به عنوان بستری برای انتخاب نمایندگان در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی متمرکز شده است. مرز این محدوده‌ها بر ترکیب و کارکرد نهادهای سیاسی حکومت تاثیر قطعی دارد. محدوده‌های جغرافیای سیاسی و شناسه‌های مرتبط با دموکراسی نمایندگی در کانون توجه جغرافیای انتخابات قرار دارد (پیشگاهی فرد، 1384: 4). سنگ بنای انتخابات به مفهوم امروزی در انگلستان گذاشته شد که سلطنت زیر فشار اشراف و نجبا مجبور به انتقال بخشی از قدرت خود به رعایا گردید. با پذیرش نظریه نماینده‌سالاری و ایجاد رژیم‌های پارلمانی و ظهور نظریه حاکمیت ملی در قرون هفدهم و هجدهم، انتخابات در شکل نهایی آن به صورت حقوقی و سیاسی استقرار یافت (مجتهدزاده، 1381: 34). در ایران بعد از انقلاب مشروطه، مجلس شورای ملی ایجاد گردید و نمایندگان مجلس از طرف مردم مناطق مختلف انتخاب و به مجلس راه یافتند. نهضت مشروطه، نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران به شمار می‌آید. یکی از مهمترین دستاوردهای نهضت مشروطه، اعطاء حق تاثیرگذاری مردم در سرنوشت سیاسی خود به آنها بود. هرچند این مهم در عمل آن‌گونه که می‌بایست تحقق نیافت، اما استقرار نظام پارلمانی، پس از نهضت مشروطه در ایران، به نوعی بیانگر این حرکت می‌باشد. در ایران از زمان برگزاری اولین دوره انتخابات مجلس شورای ملی تا مجلس نهم، 33 مرتبه انتخابات پارلمانی برگزار شده که بطور میانگین در هر سه دوره انتخابات، تغییر و تحولاتی در حوزه‌های انتخاباتی رخ داده است. از پیروزی انقلاب اسلامی تا این تاریخ یعنی پایان سال 1390 شمسی نیز نه دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی برگزار شده است (وزارت کشور، گزارش انتخابات مجلس، 1390).

نقش زنان در دنیای امروز در مراکز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و گسترش مشارکت همه‌جانبه آنان در سطوح و ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به عنوان یکی از معیارهای توسعه یافتگی کشورها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. مجلس شورای اسلامی یکی از قوای تصمیم‌سازی و ناظر بر اجرای قانون است که افزایش حضور زنان در آن می‌تواند به بهبود و ارتقاء سطح کمی و کیفی قانونگذاری کشور منجر شود. بر اساس قانون اساسی همه مردم حق شرکت در انتخابات را دارند، چه زن و چه مرد. در نه دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، منتهی به سال 1390، زنان هر چند نتوانسته‌اند کرسی‌های زیادی را در مجلس به دست آورند اما عدم محدودیت قانونی و حضور عملی آنان در هر نه دوره، حضور آنان در مجلس را امری تثبیت شده می‌نمایاند ولی طبعاً در رقابت برای نامزد شدن و رأی آوردن، مسیر آسانی را ندارند. در این مقاله به تفصیل به تحلیل جغرافیایی حضور زنان در نه دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی خواهیم پرداخت.

مبانی نظری

جغرافیای انتخابات^۲ یکی از شاخه‌های مرتبط با جغرافیای سیاسی است که مطالعه درباره آن به قبل از جنگ جهانی اول (1914-1918م) باز می‌گردد (پیشگاهی فرد: 1374، 43). طی پیدایش و اوج‌گیری پارادایم‌های مختلف جغرافیایی، شیوه‌های تحقیقاتی آن نیز با تحول مواجه بوده است. در کشورهای کمتر توسعه یافته از جمله ایران به دلیل نوپا بودن رشته جغرافیای سیاسی، همچنین عمر نسبتاً کوتاه شکل‌ها و مجالس قانونگذاری، مطالعه و بررسی جغرافیای انتخابات سابقه چندانی ندارد (پیشگاهی فرد: 1387). انتخابات به عنوان مهمترین مکانیزم مشارکت سیاسی مردم و همچنین بستری برای رقابت شکل‌ها و جناح‌های سیاسی، همواره نقش اساسی در حیات سیاسی جامعه ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایفا نموده است (شهبازی، 1380: 13). انتخابات مشتمل بر مجموعه عملیات پیش‌بینی شده در قوانین یا آیین‌نامه‌های اجرایی کشورها در راستای گزینش فرمانروایان، جهت مهار قدرت است و احزاب به نظرات پراکنده انتخاب‌کنندگان و در نهایت ساماندهی اهداف انتخابات کمک می‌کند (حافظ نیا، 1381: 225).

²- Electoral Geography

یکی از مهمترین انتخابات در ایران، انتخابات مجلس شورای اسلامی است. دوره‌ی نمایندگی مجلس شورای اسلامی چهار سال است. انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره‌ی قبل برگزار شود به طوری که کشور در هیچ زمانی بدون مجلس نباشد (اصل 63). تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی در حال حاضر 290 نفر است و از تاریخ همه‌پرسی سال 1368 خورشیدی پس از هر ده سال با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آن، حداکثر 20 نفر نماینده می‌تواند اضافه شود (اصل 64). اما آنچه ما را بر آن داشت تا به بررسی انتخابات مجلس با رویکرد جنسیتی بپردازیم، حضور کم رنگ زنان در این نهاد قانونگذاری بوده است. همانطور که در بخش‌های بالا نیز اشاره شده است زنان جامعه ایران در تمامی عرصه‌های فرهنگی، علمی و اقتصادی از رشد قابل ملاحظه‌ای در سال‌های اخیر برخوردار شده‌اند اما در عرصه سیاسی و به خصوص در رده‌های بالای مدیریتی همچون نمایندگی مجلس حضور فعال نداشته‌اند. مقاله حاضر در صدد است تا با پویش نه دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در جمهوری اسلامی ایران ضمن تحلیل جغرافیایی نمایندگی زنان به چرایی و دلایل حضور کم رنگ آنها در این عرصه بپردازد. از این رو قبل از بررسی ابعاد موضوع در ابتدا مبانی نظری تحقیق که اساس تحلیل ما را در ادامه شکل خواهد داد، مطرح می‌شود. مفهوم دموکراسی به شکل‌های مختلف تبلور می‌یابد و انگاره‌های بصری متعددی ایجاد می‌کند، اما بسیاری از مردم برای رسیدن به تعریفی جامع از آن، به تعبیر فرهنگ انگلیسی آکسفورد رجوع می‌کنند. بر اساس این تعریف، دموکراسی «حکومت به وسیله مردم است، چه به صورت مستقیم و یا از طریق نمایندگان» (فرهنگ آکسفورد، 2012). حکومت به طریق نمایندگی شیوه غالب در اکثر کشورها و جوامع است که نمایندگان منتخب به اداره امور می‌پردازند. در جمهوری اسلامی ایران نیز بر طبق ماده 7، قانون انتخابات مجلس، انتخابات به صورت مستقیم و عمومی و با رای مخفی خواهد بود (ماده 7) (قانون انتخابات مجلس، وزارت کشور، 1390). ماهیت بحث نمایندگی همواره یکی از موضوعات مورد بحث بسیار جدی در میان متفکران فلسفه سیاسی بوده است (برک، 1971). بر این مبنای، نماینده را می‌توان به عنوان فرستاده و یا وکیلی در نظر گرفت که بر اساس دستورات و رهنمودهای افرادی عمل می‌کند که او را برگزیده‌اند (تایلور و جانستون، 1386: 16). اما برای انتخاب و برگزیده شدن نمایندگان برای راه‌یابی به پارلمان از طیف گسترده‌ای از روش‌های متعدد در جهت برگزاری انتخابات، بهره‌برداری می‌شود. این سیستم را می‌توان با توجه به

سه مولفه متمایز کننده دسته بندی نمود: تعداد آرائی که فرد رای دهنده از آنها بهره مند است؛ چگونگی تخصص و توزیع آراء؛ و تعداد نمایندگانی که برای هر ناحیه انتخاباتی باید برگزیده شوند. بر اساس این سه مولفه، سه سیستم انتخاباتی مختلف قابل بازشناسی هستند: سیستمی که بر اکثریت نسبی آراء پایه گذاری شده، سیستمی که بر گزینش میان لیست های مختلف حزبی مبتنی است، و سیستمی که بر اظهار آراء و گرایش های متفاوت و متنوع تاکید می کند. از آنجایی که قوانین انتخابات پارلمانی در ایران بر مبنای سستم اکثریت نسبی تعریف شده است در ادامه به تشریح این سیستم خواهیم پرداخت. سیستم اکثریت نسبی در انتخابات پارلمانی ایران بر دو نوع می باشد: 1- سیستم اکثریت نسبی در حوزه هایی که تنها یک عضو دارند (حوزه های تک عضوی) 2- سیستم اکثریت نسبی چند نماینده ای.

1- سیستم تک عضوی چه برای فرد رای دهنده و چه برای کسانی که اقدام به شمارش آراء می کنند، بسیار ساده است. البته برخی معتقدند سهولت اجرای این سیستم برای فرد رای دهنده مشکل آفرین خواهد بود، چرا که در فضایی که شاید آکنده از تاثیرات و عوامل تاثیر گذار متعددی می باشد، باید اقدام به گزینش یک فرد نماید. فهرستی از کاندیداهای مختلف ارائه می شود و فرد رای دهنده باید با یک انتخاب، فرد منتخب خود را مشخص کند و کاندیدایی که بیشترین آراء را به خود اختصاص می دهد، به عنوان فرد پیروز معرفی می شود (تایلور و جانستون، 1386: 22). در انتخابات پارلمانی در ایران بر طبق ماده 8، قانون انتخابات، انتخاب نماینده در مرحله اول منوط به کسب اکثریت حداقل یک چهارم کل رای و در مرحله دوم و همچنین انتخابات میان دوره ای با کسب اکثریت نسبی به هر میزان است (ماده 8، قانون انتخابات مجلس، وزارت کشور، 1390). در ضمن اکثر حوزه های انتخابیه مجلس در ایران به صورت تک عضوی می باشد. 2- سیستم اکثریت نسبی چند نماینده ای: در برخی از سیستم های اکثریت نسبی طی یک انتخابات، بیس از یک نماینده باید برای حوزه برگزیده شود. به عنوان مثال، اگر قرار باشد 5 نماینده انتخاب شود، در این صورت 5 فرد پیروز در حقیقت در فهرست رتبه بندی، 5 نفر اول کاندیداهایی هستند که بیشترین آراء را به خود اختصاص داده اند (همان، 1386: 23). در جمهوری اسلامی ایران در حوزه انتخابیه تهران و برخی از مراکز استان ها از سیستم مذکور استفاده می شود. به عبارت دیگر دارای حوزه های انتخابیه چند عضوی هستند. هدف از بیان روند انتخابات مجلس در ایران و انواع سیستم های اخذ رای در آن بیان این نکته است تا در ادامه بتوانیم به این

فرضیه دست پیدا کنیم که به نظر می رسد شانس زنان به عنوان کاندیدای نمایندگی مجلس در حوزه های چند عضوی بیشتر از حوزه های تک عضوی هستند. البته در ادامه با تفصیل بیشتری به دلایل جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این گفته خواهیم پرداخت.

بیان مسئله

زنان، نقش فعال و سازنده ای در گام های گوناگون شکل گیری و نهادینه شدن روند انقلاب اسلامی داشته اند. اما، آن چنان که شایسته است همچنان از سهمی متناسب و همخوان با کارویژه هایشان در ساختار قدرت اجتماعی برخوردار نشده اند و در مواضع تصمیم گیری و مناصب قدرت جمعی، حضوری کم رنگ دارند (خلیلی، 1386: 165). مشارکت سیاسی زنان و حضور بانوان در عرصه های تصمیم گیری حکومتی می تواند پشتوانه ای مناسب برای سایر عرصه های مشارکت جویانه تلقی گردد. مشارکت سیاسی می تواند در دو سطح توده (مانند شرکت در انتخابات، احزاب، انجمن ها و تجربه های اجتماعی) و نخبگان (حضور در مجلس، قوه مجریه و داشتن مناصب عالی معنا یابد) (کاظمی پور، 1383: 217)؛ ولی هنگامی که از جایگاه زن در فرایند مشارکت؛ رای دهندگان سر به راهی که قرار است فقط روز رای گیری پای صندوق ها باشند تلقی می گردد (حافظیان، 1383: 202)، سبب ساز یک بحران یا آسیب اجتماعی در جامعه می شود که نمود آن را در حال حاضر در انتخابات نمایندگان مجلس و تعداد بسیار پایین زنان به عنوان نماینده مشاهده می کنیم. از این رو آسیب شناسی دلایل کاهش تعداد نمایندگان در مجلس شورای اسلامی یکی از دغدغه های مقاله حاضر را به خود اختصاص داده است.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع کاربردی است و با روش توصیفی - تحلیلی به پویا نه دوره نمایندگی زنان در انتخابات مجلس پرداخته است. داده ها و اطلاعات مورد نیاز به شیوه کتابخانه ای گردآوری شده اند.

یافته های تحقیق

کرسی های مجلس شورای اسلامی به تفکیک مرد و زن

همانطور که در جدول 1، و نمودار شماره 1، مشاهده می شود سهم زنان از کرسی های مجلس نسبت به مردان بسیار پایین است. در طول نه دوره انتخابات مجلس در ایران بیشترین سهم زنان در به دست آوردن کرسی های مجلس مربوط به مجلس پنجم می باشد که تعداد 14 نماینده زن با 5/6 درصد را شامل شده است و کمترین سهم نیز با 1/5 درصد به دوره های اول تا سوم مجلس بر می گردد. با نگاهی به تعداد کرسی های مجلس که از مجلس اول تا پنجم 270 نفر و از مجلس ششم تا نهم به 290 نفر افزایش یافته است و سهم زنان از این کرسی ها می توان به خوبی به نقش کم رنگ زنان در مجلس شورای اسلامی پی برد. بیشترین آمار مربوط به زنان در نمایندگی مجلس 14 نفر می باشد که در مجلس پنجم رقم خورده است و این تعداد در برابر 256 نماینده مرد می باشد. در مجموع در طول نه دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، پس از انقلاب تنها 78 نماینده زن داشته است. این در حالیست که تعداد کل نمایندگان مجلس تا دوره نهم، دو هزار و 690 نفر بوده که عدد 78 در مقابل این عدد، بسیار ناچیز است. لذا آسیب شناسی عدم حضور زنان در مجلس نیاز به بررسی های عمیقتری دارد. ما در این مقاله سعی خواهیم کرد تا زوایای جغرافیایی این عدم حضور و راهکارهای برون رفت از مشکل را مورد بررسی قرار دهیم. به همین دلیل در ادامه به بررسی این نکته خواهیم پرداخت که اصولاً زنان در چه حوزه هایی و در چه مکان های جغرافیایی از شانس بیشتری برای به دست آوردن کرسی های مجلس برخوردارند و سپس به این نکته خواهیم پرداخت که چه دلایل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در این زمینه تاثیر گذار هستند.

جدول 1- کرسی های مجلس شورای اسلامی در دوره های اول تا نهم به تفکیک مرد و زن

دوره ها	تعداد کرسی ها	نمایندگان مرد	نمایندگان زن	درصد زنان
1359 دوره اول	270	266	4	1/5
1363 دوره دوم	270	266	4	1/5
1367 دوره سوم	270	266	4	1/5
1371 دوره چهارم	270	252	9	3/5
1375 دوره پنجم	270	256	14	5/6
1379 دوره ششم	290	277	13	4/1
1383 دوره هفتم	290	277	13	4/1
1387 دوره هشتم	290	282	8	2/5
1391 دوره نهم	290	281	9	3/1

ماخذ: ستاد انتخابات کشور، 1390.



نمودار شماره 1- مقایسه تعداد نمایندگان زن در 9 دوره مجلس شورای اسلامی

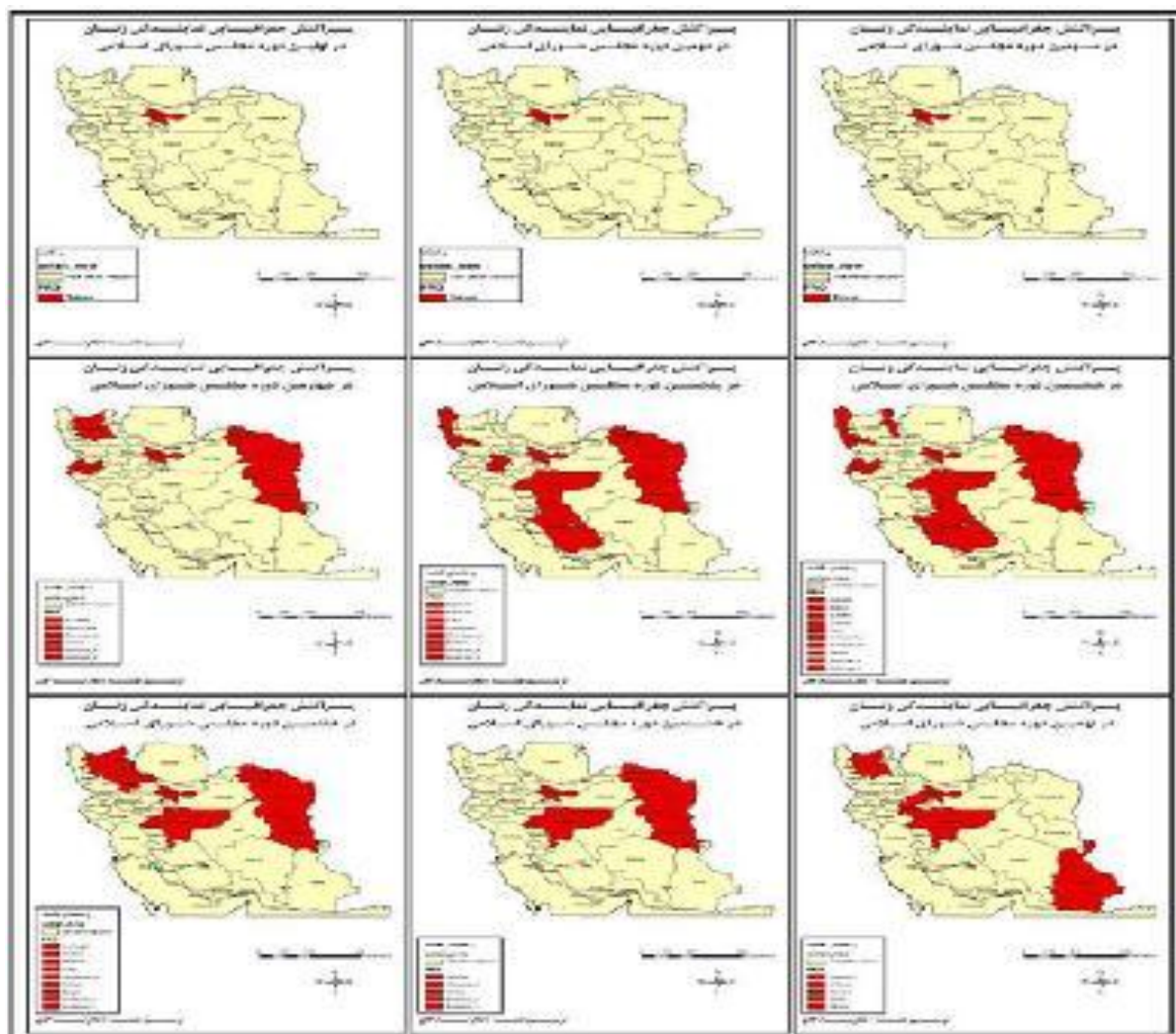
منبع: نگارندگان (بر اساس داده های ستاد انتخابات کشور)

شانس بیشتر زنان برای به دست آوردن کرسی های مجلس در حوزه های چند عضوی

با نگاهی به آمارهای به دست آمده در طول نه دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی و همچنین با نگاه به نقشه های شماره 1 و 2، مشاهده می شود که موفقیت زنان برای به دست آوردن کرسی های مجلس در حوزه های چند عضوی نسبت به حوزه های تک عضوی بیشتر است. همانطور که نقشه های شماره 1 و 2، نشان می دهند در دوره اول تا سوم مجلس شورای اسلامی زنان فقط در حوزه انتخابیه تهران موفق به کسب نمایندگی شده بودند در هر سه دوره مذکور تعداد 4 زن به مجلس راه یافته بودند. حوزه انتخابی تهران جزء حوزه های چند عضوی می باشد. در دوره چهارم نیز حوزه های انتخابی تهران، تبریز، مشهد و کرمانشاه نمایندگان زن به مجلس فرستاده بودند که همگی این حوزه ها جزء حوزه های چند عضوی می باشند. این روند در دوره پنجم نیز تکرار شده است و در بین حوزه های انتخابیه فقط شهرستان لار دارای حوزه تک عضوی بوده است که نماینده زن موفق به کسب کرسی نمایندگی شده بود و در حوزه های تهران، اصفهان، مشهد، همدان، ارومیه جزء حوزه های چند عضوی می باشند که نمایندگان زن به عنوان یکی از نامزدها انتخاب شده بودند. در انتخابات مجلس ششم تعداد حوزه های تک عضوی که زنان موفق به کسب کرسی نمایندگی شده اند به 3 مورد رسیده بود که شامل حوزه های خلخال، اسلام آباد غرب و دشتستان بوده است و بقیه نمایندگان از حوزه های چند عضوی تهران، اصفهان، شیراز، مشهد و ارومیه انتخاب شده بودند. در مجلس هفتم دوباره فقط در حوزه تک عضوی خلخال نماینده زن انتخاب و بقیه نمایندگان زن در حوزه های چند عضوی تهران، اصفهان، مشهد، کرج، زنجان، رشت و تبریز انتخاب شده بودند. در مجلس هشتم فقط زنان در حوزه های چند عضوی تهران، اصفهان، مشهد و کرج به مجلس راه یافته بودند. در انتخابات مجلس نهم زنان در حوزه های تک عضوی سمیرم، ساوه و زرندیه و سراب و مهربان موفق به راهیابی به مجلس شده بودند و بقیه کاندیداها از حوزه های چند عضوی تهران، اصفهان، زابل و زهک بودند. در مجموع در طول نه دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در ایران تعداد 78 نماینده زن وارد مجلس شده بودند که از این تعداد فقط 8 نفر از طریق حوزه های تک عضوی به نمایندگی مجلس انتخاب شده بودند و این در حالی است که 70 نفر از طریق حوزه های چند عضوی به مجلس شورای اسلامی راه یافته اند. بنابراین، بر اساس یافته های تحقیق و بررسی و تبیین آمارهای نه دوره انتخابات مجلس در ایران می توان گفت شانس موفقیت زنان برای به دست

آوردن کرسی های مجلس در حوزه های چند عضوی بیشتر از حوزه های تک عضوی می باشد. همچنین ، هر چه تعداد کرسی نمایندگی در حوزه های چند عضوی بیشتر باشد ، شانس زنان برای موفقیت بیشتر است. برای مثال ، حوزه تهران به خاطر 30 کرسی نمایندگی بیشترین آمار زنان در حوزه های انتخابیه ایران را به خود اختصاص داده است و همینطور حوزه های انتخابیه اصفهان ، تبریز و مشهد که در مرتبه بعدی قرار دارند. بنابراین در حوزه های چند عضوی نیز شانس زنان در حوزه هایی که تعداد کرسی بیشتری برای نمایندگی دارند بیشتر است و در حوزه های مثلاً دو عضوی نسبت به حوزه های 5، 6 و یا 30 عضوی از شانس کمتری برخوردار هستند.

نقشه شماره 1- پراکنش جغرافیایی نمایندگی زنان بر حسب استان ها

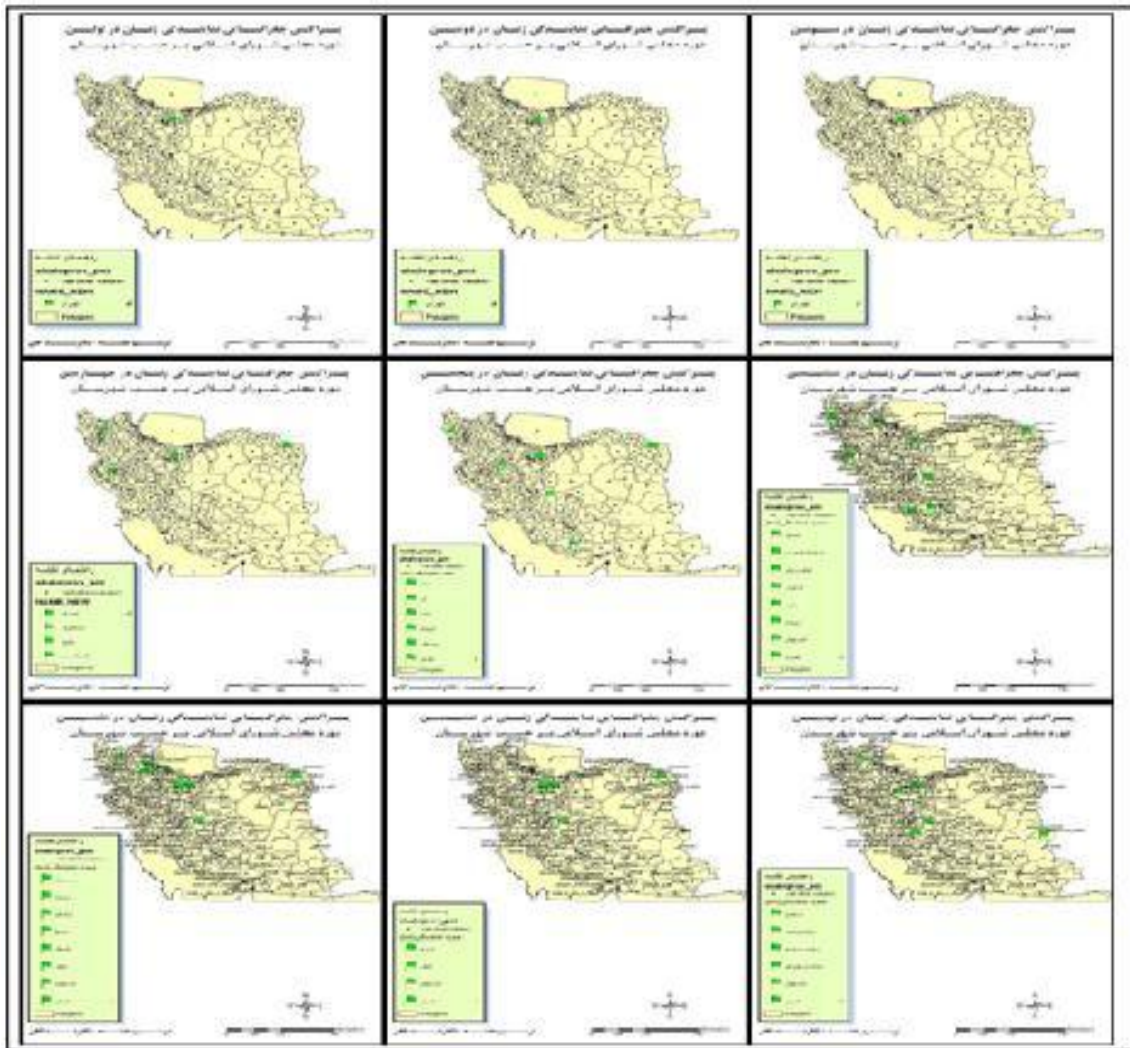


شانس بیشتر زنان برای به دست آوردن کرسی های مجلس در شهر های بزرگ

همانطور که نقشه های شماره 1 و 2، و همچنین آمارهای به دست آمده از پویش نه دوره انتخابات مجلس در ایران نشان می دهد، شانس زنان برای به دست آوردن کرسی های مجلس در مراکز استان ها و شهرهای بزرگ بیشتر از شهرستان های کوچک است. حضور زنان در سه دوره اول مجلس فقط در حوزه انتخابیه تهران بوده است که هم نقش یایتخت کشور و هم نقش مرکز استان تهران را بازی می کند. همچنین در دوره چهارم مجلس نیز زنان از حوزه های انتخابیه تهران، تبریز، مشهد و کرمانشاه به مجلس راه یافته بودند که هر چهار شهر جزء مراکز استان می باشند. در مجلس پنجم نیز زنان در حوزه های انتخابیه تهران، اصفهان، مشهد، همدان، ارومیه و لار به مجلس راه یافته اند که در این میان فقط شهرستان لار جزء مراکز استان نبوده است. در انتخابات مجلس ششم از نظر پراکندگی جغرافیایی نمایندگی زنان چه در عرصه تک عضوی و چند عضوی و چه در عرصه مراکز استان ها و شهرستان ها، از پراکنش بیشتری نسبت به دوره های دیگر مجلس برخوردار می باشد به طوری که زنان توانسته اند در حوزه های انتخاباتی خلخال، اسلام آباد غرب، و دشتستان به مجلس راه یابند. با این حال فقط سه نماینده زن از این طریق وارد مجلس شده بودند و 10 نماینده دیگر در حوزه انتخابیه مراکز استان ها شامل تهران، اصفهان، شیراز، مشهد و ارومیه وارد مجلس شده بودند. در مجلس هفتم دوباره روند انتخاب زنان در حوزه انتخابیه مراکز استان تقویت شده بود به طوری که فقط در حوزه انتخابیه خلخال و کرج که جزء مراکز استان به شمار نمی رود یک نماینده زن به مجلس راه یافته بود و بقیه از حوزه های مراکز استانی تهران، اصفهان، مشهد، زنجان، رشت و تبریز بوده اند. این روند در مجلس هشتم ادامه پیدا کرد به طوری که سه حوزه شامل تهران، اصفهان، مشهد بودند و تنها کرج در این میان این نقش را بر عهده نداشته است. در انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی این روند کمی تغییر کرده است و فقط حوزه های انتخابیه تهران و اصفهان به عنوان مراکز استان دارای نماینده زن در مجلس بوده اند و 4 نماینده زن دیگر در حوزه های انتخابیه سراب و مهربان، زابل و زهک، سمیرم و ساوه و زرندیه وارد مجلس شده بودند. در نهایت اینکه از مجموع نه دوره انتخابات مجلس که 78 زن موفق به کسب کرسی های مجلس شده بودند

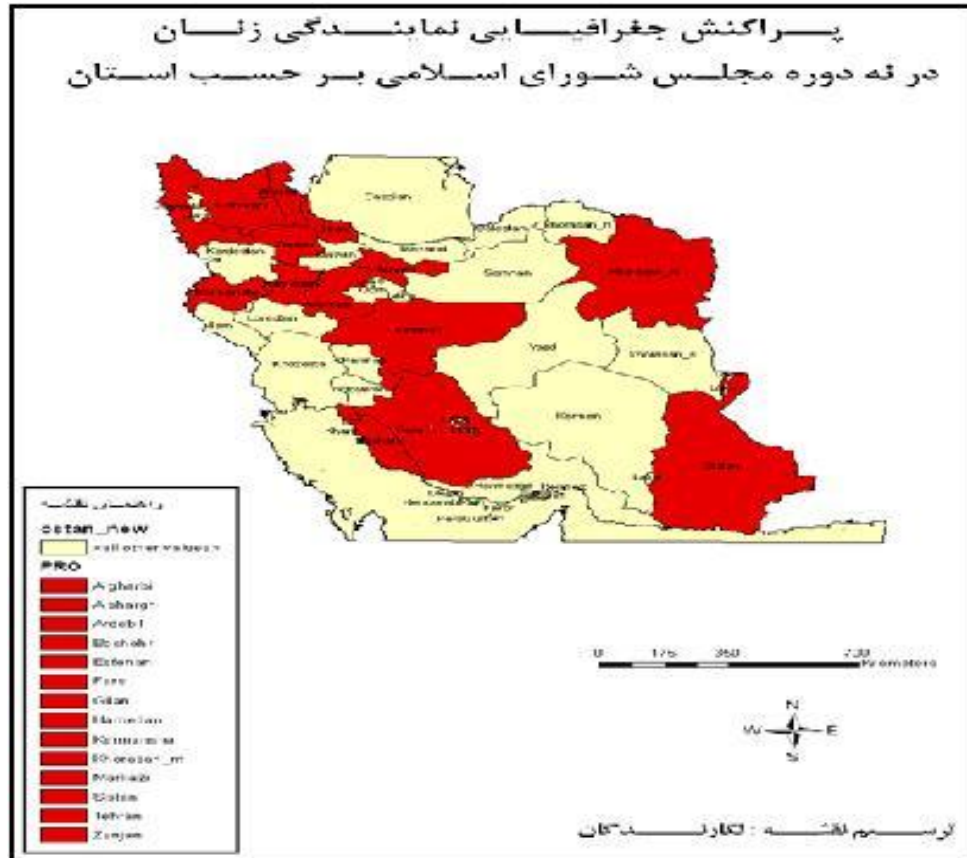
تعداد 11 نماینده زن در حوزه های شهرستانی کوچک و تعداد 67 نفر در حوزه های مراکز استان ها به مجلس راه یافته اند. بنابراین، می توان گفت شانس زنان برای به دست آوردن کرسی های مجلس در حوزه های انتخابی مراکز استان ها و شهرهای بزرگ نسبت به شهرستان های کوچک بیشتر است. با توجه به اینکه تعداد شهرستان های کشور از 336 شهرستان در سال 1385 به 384 شهرستان در سال 1389 رسیده که در مجموع 48 شهرستان افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، 1391). و همچنین وجود 207 حوزه انتخابیه در 384 شهرستان کشور برای به دست آوردن 290 کرسی نمایندگی در نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی (ستاد انتخابات کشور، 1390) فقط 9 زن در 6 حوزه انتخابیه از 207 حوزه انتخابیه و 11 شهرستان از 384 شهرستان موجود در کشور به مجلس راه یافته اند و همچنان سهم ناچیزی در قوه قانونگذاری کشور بر عهده دارند. ما در ادامه به بررسی دلایل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی این مسئله خواهیم پرداخت.

نقشه شماره 2- پراکنش جغرافیایی نمایندگی زنان بر حسب شهرستان ها



منبع: نگارندگان

نقشه شماره 3- پراکنش جغرافیایی نمایندگی زنان در نه دوره مجلس شورای اسلامی



منبع: نگارندگان

درک جغرافیای سیاسی موفقیت زنان (مناطق طرفدار زنان در ایران)

برای کشف تأثیرات جغرافیای سیاسی بر موفقیت زنان، سه مورد از ویژگی های جمعیتی را مورد بررسی قرار می دهیم: 1- عوامل جغرافیایی 2- نژاد و قومیت 3- عوامل اجتماعی و اقتصادی.

در نقشه شماره 3، پراکنش جغرافیایی نمایندگی زنان در طول نه دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی نشان داده شده است. همانطور که در نقشه مشاهده می شود در برخی استان های کشور هنوز هیچ نماینده زن به مجلس راه نیافته است. استان هایی مثل مازندران، گلستان، کرمان، یزد، بندر عباس، خوزستان، لرستان، کهگیلویه و بویر احمد، چارمحال بختیاری، کردستان، ایلام، قزوین، قم، سمنان، خراسان شمالی، خراسان جنوبی جزء استان هایی هستند که تا به حال هیچ نماینده زنی در مجلس نداشته اند. در حقیقت از 31 استان موجود در کشور 16 استان در طول نه دوره فاقد نماینده زن در مجلس بوده اند، یعنی بیش از نیمی از استان های کشور. اما در استان هایی که زنان موفق به راهیابی به مجلس شده اند نیز استان های تهران، اصفهان، خراسان رضوی و آذربایجان شرقی در اکثر دوره ها دارای نماینده زن بوده اند. در این میان سهم استان تهران به تنهایی 47 نماینده بوده است. این درحالی است که تعداد کل نماینده های زن مجلس در طول نه دوره به عدد 78 می رسد. یعنی استان تهران به تنهایی بیش از نیمی از نمایندگان زن مجلس را به خود اختصاص داده است. در مرتبه بعدی نیز استان های اصفهان، مشهد و تبریز قرار دارند.

از طرف دیگر، بر اساس آمارهای موجود و یافته های تحقیق به نظر می رسد مناطق آراء زنان برای به دست آوردن کرسی مجلس در ایران در شهرهای بزرگ بیشتر از شهرهای میانی و کوچک و مناطق روستایی باشد. موفقیت بیشتر زنان در حوزه های انتخابیه تهران، اصفهان، مشهد، تبریز، کرمانشاه، همدان، ارومیه، رشت و... گویای تصدیق این ادعا می باشد. این امر به دلایل فرهنگی و اجتماعی این مکان ها بر می گردد که در بخش جداگانه ای به آن خواهیم پرداخت.

با نگاهی به پراکندگی جغرافیایی نمایندگی زنان در نقشه شماره 3، و راهیابی زنان از قومیت های مختلف به مجلس به نظر می رسد نقش قومیت و تنوع قومی در میزان موفقیت زنان برای به دست آوردن کرسی مجلس و موفقیت در انتخابات ناچیز باشد. حضور نماینده هایی از تبریز، کرمانشاه، ارومیه، مشهد، زابل و دیگر مکان ها به خوبی حاکی از تایید این نکته است. بنابراین، نقش قومیت در حضور زنان در مجلس بسیار ناچیز می باشد.

عوامل جغرافیایی

پالمر و سیمون (1389) در کتاب شکستن سقف شیشه ای سیاست در مورد نقش عوامل جغرافیایی بر موفقیت زنان در انتخابات آمریکا معتقدند « که وسعت مناطق بر موفقیت کاندیداهای زن تاثیر گذار است ». در حقیقت آنها معتقدند که نمایندگی در مناطق وسیع برای موفقیت زنان مشکل تر است و دلایل این امر را در این می دانند که رای دهندگان در مناطق وسیعی پراکنده اند و زمان زیادی لازم است تا بتوان بین آنها ارتباط برقرار کرد و این موضوع یکی از مشکلات اساسی کاندیداهای زن است (پالمر و سیمون، 2006 : 205). اما با نگاهی به آمارها و یافته های تحقیق که از نه دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در ایران به دست آمده است درست برعکس گفته بالا می باشد. یعنی در انتخابات مجلس در ایران شانس موفقیت زنان در شهرهای بزرگ و مراکز استان ها بیشتر از مناطق روستایی و شهرهای کوچک بوده است. یکی از یافته های تحقیق حاضر این است که نمایندگان زن مجلس، احتمال بیشتری دارد که به نمایندگی شهرهای بزرگ برگزیده شوند. زیرا شهرهای بزرگ نسبت به نواحی شهری کوچک و روستایی منبع زنان فعالی است که ظرفیت بسیاری برای کاندیدا شدن دارند. همچنین شهرهای بزرگ ایران، کرسی های بیشتری نیز دارند (چندعضوی) و بنابراین فرصت های بیشتری برای شرکت در انتخابات در مناطق پرجمعیت دارند. به همین دلیل در اکثر دوره های انتخابات مجلس در ایران زنان نماینده از مراکز شهرهای بزرگ به فعالیت پرداخته و از همین حوزه ها به مجلس راه یافته اند، زیرا این حوزه های انتخاباتی، آمادگی بیشتری برای قبول افکار و عقایدی که به مسائل رفاه اجتماعی و مسائل زنان می پردازند، دارند. بنابراین، مسلم است که وسعت مناطق و شهرنشینی با یکدیگر در ارتباط هستند و انتظار می رود که زنان شانس بیشتری برای پیروزی در مناطقی که نسبت بالایی از جمعیت آن در مناطق شهری زندگی می کنند، دارند.

نژاد و قومیت

هنوز مطالعه و پژوهش خاصی که به تاثیر نژاد و قومیت بر موفقیت زنان در حوزه های انتخاباتی مجلس پرداخته باشد، انجام نشده است. اما بر اساس یافته های تحقیق حاضر و آمارها و اسناد موجود در زمینه انتخابات مجلس در ایران می توان گفت، که گوناگونی و تنوع در مناطق هیچ تاثیری در موفقیت زنان کاندیدا نداشته است. همچنین نواحی تک قومیتی نیز در این موفقیت تاثیری نداشته است. به عبارت دیگر پراکندگی نمایندگی زنان در بین تمامی نژادها و قومیت های ایران در چهار گوشه کشور موید تصدیق این ادعا می باشد.

عوامل اقتصادی و اجتماعی

به نظر می رسد که عوامل اجتماعی- اقتصادی متعددی در موفقیت زنان تاثیر گذارند. زنان در مجلس به انتخاب شدن در مناطقی که از سطح رفاه نسبی برخوردارند، علاقه مندند و همچنین شانس آنها در این مناطق بیشتر است. استدلالی که برای این موضوع آورده می شود این است که در آمدهای پایین، مشاغل قانونگذاری را برای مردان جذاب تر می کند. به این دلیل که سیاست یک گزینه مردانه است. در حقیقت در مناطق کمتر توسعه یافته شانس مردان برای موفقیت بیشتر است چرا که فرهنگ سیاسی حاکم بر جامعه سیاست و به خصوص نهاد مجلس را یک مقوله مردانه می داند و رای دهندگان معتقدند که مردان از قدرت چانه زنی بیشتری برای در اختیار گرفتن بودجه برای حوزه انتخابیه خود برخوردارند و به همین دلیل اعتماد بیشتری به مردان در اینگونه مناطق نسبت به زنان وجود دارد.

از نظر فرهنگی نیز باید گفت که کاندیداهای زن مجلس به انتخاب شدن در مناطقی که سطح آموزشی بالاتری دارند تمایل داشته باشند. انسان هایی که سطح سواد بالاتری دارند احتمال بیشتری دارد که از دیدگاه های تساوی افراد حمایت کنند و نیز احتمال کمتری دارد که از دیدگاه های سنتی در خصوص نقش های جنسیتی پیروی نمایند. بعلاوه زنان با سطح سواد بالا، احتمال بیشتری دارد که برای شرکت در انتخابات کاندیدا شوند و در نتیجه مناطق با سطح آموزش بالا شرایط مناسب تری برای حضور زنان فراهم می کنند. با نگاهی به نمایندگی زنان در ادوار مختلف مجلس مشاهده می شود که شانس آنها در شهرهای بزرگ و مراکز استان ها به دلایل توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، بالا بوده است.

از طرف دیگر، فرهنگ مردسالاری با تقسیم کار و محول نمودن انجام امور خانه به زنان، عملاً به نوعی، سبب سلب فرصت مشارکت برابر زنان را فراهم آورده و به تدریج به صورت یک نهاد ذهنی در آمده است، که مطابق آن، الگوهای رفتاری متناسب با همان ارزش ها را به زنان ارائه می دهد؛ منزوی کردن زنان در خانه جهت خدمتگزاری به شوهر، فرزند و یا جمع خانواده، نمونه ای از آن است که می تواند آسیب های دیگری را با خود پیروراند؛ و انگار نوعی « ساخت اجتماعی مونث ابدی» را به طرزی مداوم، مقاوم تر و پایاتر می کند (فریدمن، 1381: 26). نمایندگی مجلس در ایران عمدتاً یک هویت مذکر داشته و انگار، مردان را از نوعی « رانت موقعیت» برخوردار کرده و آنان را در حد بالای ساختار سیاسی قرار داده است (رییس دانا، 1383: 24).

همه عواملی که در بالا اشاره شده اند اعم از سطح توسعه یافتگی اقتصادی بالا، سطح سواد بالا، بالا بودن مطالبات اجتماعی و فرهنگی مردم نسبت به مطالبات اقتصادی و نگاه مرد سالار کمتر، در شهرهای بزرگ ایران و به خصوص در مراکز استان ها نمود بیشتری دارند و به تبع شانس زنان برای موفقیت در انتخابات مجلس در این گونه مناطق و حوزه های انتخابیه بیشتر است.

بالینگتن (2005)، اصلی ترین موانع در حضور موثر زنان در عرصه تصمیم سازی را در موارد زیر می داند: عدم حمایت احزاب سیاسی از زنان، عدم وجود همکاری و همدلی موثر و فعالیتهای شبکه ای در میان زنان حاضر در مجلس و جامعه مدنی، غلبه هنجارهای اجتماعی و ساختارهای مرد-محور و عدم دادن فضا به زنان برای فعالیت مناسب، عدم حمایت رسانه ها و نهادهای دیگر از زنان، عدم وجود آموزش مناسب برای زنان جهت تربیت ایشان برای رهبری در جامعه، عدم کارآمدی سیستمهای انتخاباتی، عدم وجود سیاست سهمیه بندی برای حمایت زنان در بسیاری از کشورها (بالینگتن و دیگران، 2005: 225). در آخرین تلاشی که از سوی جامعه زنان ایران برای حضور پررنگتر در انتخابات مجلس صورت گرفته است به مسئله تسهیم نامتناسب انتخابات اشاره و لزوم تسهیم مجدد در کرسی های انتخاباتی مورد توجه قرار گرفت. این تلاش به صورت طرح به مجلس شورای اسلامی ارسال ولی موفقیت چندانی به دست نیآورده بود (سایت اینترنتی جامعه زینب، 1390). در این طرح که به دلایل افزایش تعداد زنان در مجلس پرداخته شده بود در ماده واحده الحاقی به قانون انتخابات خواسته شده بود تا: "از شهرها و مراکز استانی با بیش از ۲ نماینده در مجلس

شورای اسلامی یک زن، شهرهایی که تعداد نمایندگانشان به ۵ و یا بیشتر می رسد ۲ نماینده زن، و از شهر تهران ۱۰ زن به مجلس شورای اسلامی راه یابند." (بهروزی، 4 دی، 1390).

نتیجه گیری

حیات سیاسی - اجتماعی هر جامعه، مرهون مشارکت فعال همه اعضای جامعه می باشد و توسعه اجتماعی منوط به بهره گیری از ظرفیتهای بالقوه و بالفعل تمام نیروهای انسانی اعم از زن و مرد و مشارکت آگاهانه و متعهدانه آنان در صحنه های اجتماعی است، اما همین نقش آفرینی و مشارکت، به نگرش اعضای جامعه نسبت به هویت و جایگاه زن، پذیرش اجتماعی آنان جهت ایفای نقش، خود باوری آنان و فراهم بودن زمینه های مشارکت وابسته است. با توجه به اینکه انسان ذاتاً موجودی اجتماعی است از این جهت میل و علاقه او نسبت به دخالت در سرنوشت خویش، از ویژگیهای ذاتی انسان محسوب می شود. حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی خویش، یکی از اولین دغدغه های او پس از ورود به جامعه بوده که طی گذشت زمان، ابعاد و پیچیدگیهای جدیدی یافته است. انسانها فارغ از ویژگیهای نژادی، زبانی، مذهبی، جنسیتی، ... براساس اتکا به حقوق طبیعی و انسانی حق دخالت در امور سیاسی خود را دارند.

زنان ایرانی به کرات، تجلیات سیاسی از خود بروز داده اند و عرق مذهبی و ملی سبب حضور آنها در عرصه های مختلف سیاسی شده است. ویژگیهای فردی و موقعیت اجتماعی از عوامل مهمی هستند که در ایجاد انگیزه برای مشارکت سیاسی مؤثر می باشند. مشارکت گروههای اجتماعی مختلف از جمله زنان در زندگی سیاسی به عنوان هدف توسعه سیاسی، مستلزم تحقق لوازم و زمینه های مشارکت سیاسی زنان می باشد. در حقیقت، باید مسائل و موانع موجود را حل و رفع کرد و زمینه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مناسب را جهت رشد و توسعه این مقوله به وجود آورد. همچنین ضروری است زنان نیز در این مقطع زمانی، تواناییهای خود را باور کنند و به خود بقبولانند که می توانند و باید در تصمیم گیریهای مربوط به جامعه و کشور خود سهمی داشته و بر روند مسائل سیاسی جامعه خویش تأثیر مثبت و مؤثر بگذارند، همان گونه که در جریان وقوع انقلاب اسلامی و در زمان دفاع مقدس حضوری چشم گیر و مؤثر داشتند.

فعالیت زنان در عرصه‌های سیاسی یکی از ملاک‌های توسعه سیاسی هر اجتماعی تلقی می‌گردد. شرکت زنان در انتخابات به عنوان نامزد انتخاباتی علاوه بر آنکه بلوغ سیاسی این قشر را به اثبات رسانده و منجر به توسعه سیاسی کشور می‌گردد، به بهبود وضعیت و موقعیت زنان در جامعه نیز منتهی خواهد گشت. حضور زنان در عرصه تقنین و قانونگذاری موجب ایجاد نگرش‌های مثبت در حوزه تدوین قوانین نسبت به مسائل زنان می‌گردد. چرا که نمایندگان زن با شناخت دقیق و لمس عینی مشکلات، خواسته‌ها و دغدغه‌های زنان بیش از هر فرد دیگری می‌توانند منعکس‌کننده تمایلات و مطالبات درونی این قشر باشند. حضور فعال زنان در حوزه قانونگذاری موجب تدوین و تنسیق قوانین مدافع و حامی حقوق زنان گشته و به مرتفع نمودن قوانین ناکارآمد کمک خواهد نمود. بنابراین تضمین حقوق زنان در جامعه از بدیهی‌ترین نتایج مشارکت زنان در انتخابات به شمار می‌آید.

منابع

1. آمار انتخاباتی دوره‌های مختلف مجلس شورای اسلامی، دفتر انتخابات - وزارت کشور.
2. پالمر، باربارا، دنیس سیمون، 1389، شکستن سقف شیشه‌ای سیاست، مترجمین: زهرا پیشگاهی فرد و محمد زهدی گهرپور، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی .
3. پورتال رسمی وزارت کشور <http://www.moi.ir/portal/Home/Default.aspx>
4. تایلور، جانستون، 1386، جغرافیای انتخابات، مترجمین: پیشگاهی فرد، زهرا؛ اکبری، رسول، ، نشر قومس .
5. پیشگاهی فرد، زهرا؛ 1374، جغرافیای انتخابات، فصل‌نامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره 33 تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
6. پیشگاهی فرد، زهرا. 1386، جزوه درسی جغرافیای انتخابات .،
7. پیشگاهی فرد، زهرا، 1379، جغرافیای انتخابات پارلمانی در ایران، جلد 24، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران.
8. حافظ نیا، محمد رضا، مراد کاویانی،، 1383، افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی، انتشارات سمت.
9. حافظیان، محمد حسین، 1383، راهکارهای افزایش مشارکت سیاسی زنان در ایران و دیگر کشورهای اسلامی، در کتاب: نجفقلی حبیبی و محمد حسین پناهی، کوشش و گردآوری) مجموعه مقالات همایش مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اسلامی؛ تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
10. خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا، 1390، <http://isna.ir>
11. خلیلی، محسن، 1386، آسیب‌شناسی مشارکت زنان در جامعه معاصر ایران، فصلنامه پژوهش زنان، دوره 5، شماره 2، پاییز.
12. رییس دانا، فریبرز،، 1383، اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، خرداد: 1381 جلد ششم، مسایل و جرایم مالی - اقتصادی و سرقت، تهران: آگاه.
13. زندگینامه نمایندگان زن در مجلس سنا و شورا (دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی)، 1380، مرکز امور مشارکت زنان، زمستان.
14. سایت جامعه زینب، http://zeinab.ir/index.php?option=com_content&view=article
15. شهبازی، محبوب، 1380، تقدیر مردم سالاری، انتشارات روزنه.
16. فرید من، جین، 1381، فمینیسم، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: آشیان.
17. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

18. کاظمی پور، شهلا، 1383، نقش اجتماعی شدن سیاسی و عوامل اجتماعی کننده در مشارکت سیاسی زنان، در کتاب: نجفقلی حبیبی و محمد حسین پناهی، کوشش و گردآوری) مجموعه مقالات همایش مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اسلامی؛ تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
19. کولایی، الهه، 1383، ادوار مجلس و حقوق زنان ایرانی، روزنامه شرق، 21 مهر.
20. گزارش اجتماعی وضعیت زنان بر اساس آخرین آمار و اطلاعات موجود، معاونت طرح و برنامه مرکز امور مشارکت زنان.
21. مجتهد زاده، پیروز، 1381، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، انتشارات سمت.
22. مجلس شورای اسلامی، آبان 1375، معرفی نمایندگان دوره پنجم مجلس شورای اسلامی، چاپ بهمن
23. مجلس شورای اسلامی، آذر 1379، معرفی نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی، چاپ بهمن
24. مجلس شورای اسلامی، اردیبهشت 1368، معرفی نمایندگان دوره سوم مجلس شورای اسلامی، چاپ بهمن
25. مجلس شورای اسلامی، بهار 1364، نگرشی به اولین دوره مجلس شورای اسلامی، چاپ افست
26. مجلس شورای اسلامی، بهمن 1371، معرفی نمایندگان دوره چهارم مجلس شورای اسلامی، چاپ بهمن
27. مجلس شورای اسلامی، مهر 1364، معرفی نمایندگان دومین دوره مجلس شورای اسلامی، چاپ بهمن
28. معرفی نمایندگان مجلس شورای اسلامی از آغاز انقلاب شکوهمند اسلامی ایران تا پایان دوره پنجم قانونگذاری، چاپ 78، مجلس شورای اسلامی.
29. مرکز آمار کشور، 1390، ف سالنامه آماری.
30. Ballington, Julie, et al, (2005) *Women in Parliament beyond Numbers*, Washington: IDEA.
31. "Democracy," *n*. Oxford English Dictionary 2012. OED Online. Oxford University Press. Accessed 25 May 2012.
32. Taylor, peter & Johnston, Ronald, 1979, *Geography of election*, London: croom Helm,.

**Geographic analysis of women's representation in parliament of Islamic
republic of Iran
(At the first to Ninth Parliament – 1980 – 2012)**

Zahra Pishghahifard* - Full Professor of Political Geography, Tehran University

Vahid kiani³ - Ph.D Student of Political Geography, Tehran University

Zahra moosavi - Ph.D Student of Political Geography, Tehran University

Abstract

One of the important achievements of the Islamic Republic is paving the way the political participation for the women of Iranian society. Advancement of women in scientific and academic qualifications as an index of scientific can be expressed in which women are not comparable with pre-revolutionary period. Women with significant success in various fields of scientific, cultural, social and public participation in the defense of the revolution, Still like to attend the parliament did not show much interest. Especially if women their right to vote in the legislature seats have been overlooked in favor of men.

Despite this serious and worthwhile effort and solidarity for the presence of powerful women in the managerial, financial and administrative, Women in the highest position in the Legislative Assembly is ambiguous during the last years of ups and downs downside. Review the number of seats reserved for women representatives to Parliament in 9 course

³ - kiani1363@ut.ac.ir

of its life can be a clear picture of the reality show. This paper is trying to with descriptive – analytical method in scanning geographical representation of women in parliament electoral.

Keywords: Electoral geography, political participation, representation of women, parliament, democracy.